

ایران

پنجشنبه ۷ تیر ۱۴۰۳ • شماره ۸۴۹۶

ایستاده در تاریخ

اخلاص رئیسی از او اسطوره‌های ساخت که گویا مأمور شده بود زمانی را در این مسئولیت‌های سطح بالا سپری کند و به همه ما یادآور شود که همچنان در دنیای شلوغ و پراز مگر و نیرنگی که سران فاسد آن برای جنایت و کودک‌کشی به یکدیگر مدال افتخار می دهند، هنوز هم می شود پاک بود و خدمتگزار.

معجزه اخلاص بود که رئیسی را شهید جمهور کرد. شهید زندگی کرد که شهید شد. جوهره شهید زندگی کردن، اخلاص است. خود را از درون قوی کرده بود و بر نفسش چنان مهار زده بود که آماده کارهای بزرگ در بیرون شود. هر چه تحول و نوزایی و حرکت و مقاومت و مبارزه در بیرون از رئیسی بروز یافت، حاصل تحول و قدرتی بود که در درون خود ایجاد کرده بود.

در هر برهه مدیریتی که در این سال‌ها قرار گرفت، برای او زمینه کاملاً مهیا بود که به گونه‌ای دیگر رفتار کند؛ از سال‌های متمادی در مسئولیت‌های سطح بالای قوه قضائیه همچون ریاست سازمان آزرسی کل کشور و معاونت اول دستگاه قضایی گرفته تا پس از آن در آستان قدس و ریاست قوه قضائیه و ریاست جمهوری.

در آستان قدس رضوی، جلوه‌هایی از شفافیت، مردمی بودن و محرومیت‌زدایی را رقم زد که بی سابقه بود. نشان داد می توان مکنت داشت اما آن تمکن را یک‌سره در خدمت محرومان و زائران قرار داد. در قوه قضائیه اولین رئیس قوای بود که در عین اجتهاد، تحصیلات عالی دانشگاهی (دکترای حقوق خصوصی) داشت. در قوه، به کلی فضای قیل از خود را متحول و درها را به روی منتقدان و صاحب‌نظران گشود، آن هم در حالی که تا قبل از آن، کمترین انتقاد ولو در یک رسانه بی‌نام و نشان با تهدید و عقوبت‌های سختی همراه بود.

ماه رمضان سال ۱۳۹۸ که حدود چهار ماه از انتصاب او به ریاست قوه قضائیه می گذشت، جلسه افطاری با حضور تقریباً همه شخصیت‌های اصلی حوزه رسانه تشکیل شد. حضاران در جلسه می گفتند برای اولین بار است که چنین امکانی برای آنها فراهم می شود. بعد از آن هم، بارها با دستور شخص ایشان برای عناصر رسانه‌ای حتی در قبال جرائم آنها عفو و تخفیف‌های مهمی در نظر گرفته شد. نشان داد می توان قدرت داشت اما با مهار زدن بر نفس، از آن استفاده شخصی نکرد.

در انتخابات سال ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ با وجود بداخلاقی‌های متعدد رقیب، هرگز عنان از کف نداد و با وجود اطلاع از نقاط ضعف افراد، بی اخلاقی را با بی اخلاقی جواب نداد. نشان داد که می توان مخزن‌الاسرار بود اما ظرفیت نشان داد و در بزنگاه، از آن نفع شخصی نبرد.

در ریاست جمهوری، مکنت و قدرت و دسترسی به نهان همه را با هم داشت اما نشان داد که همه این امکانات برای او و در دست او، جز برای خدمت کارآیی ندارد.

اخلاصش او را قوی و آماده کارهای بزرگ کرده بود. فقدان رئیس جمهور شهید، متحیرمان کرده است. از فهم حکمت حادثه درمانده‌ایم، اما دو نشانه که شاید از جمله حکمت‌های حادثه باشد، مقابل چشم همه ماست؛ یکی اینکه خدا را شاکر باشیم که در دوره‌ای از زمان و قطعه‌ای از مکان زندگی و تنفس می کنیم که توفیق درک اسطوره‌های بی‌پدیل تاریخ شیعه یعنی خمینی و خامنه‌ای عزیز و شاگردان آنها همچون شهید سلیمانی و شهید رئیسی را یافته‌ایم.

در دنیای پر از ظلم و نیرنگی که سران فاسدش با وقاحت و بی شرمی تمام، دست در دست هم هزاران هزار کودک بی‌گناه را در غزه قتل عام می‌کنند، شاگردان صالح مکتب خمینی کبیر در قله‌های مدیریتی، الکویی از پاکی و خدمتگزاری می دهند و حجت را بر همه تمام می کنند. حکمت دیگر حادثه هم می تواند تالگوی معجزه اخلاص باشد. اخلاص شهید رئیسی حجت دیگری شد که عزت، دست خدا است. البته خدا اجر اخلاص را در همین دنیا هم می دهد. خدا اجواب اخلاص را زود می دهد. تشییع بی نظیر شهید رئیسی در شهرهای مختلف و مراسم‌های پرشمار گرامیداشت و عزاداری، نشان داد که بر خلاف محاسبات آدم‌های اهل دنیا، اخلاص مثل آب روان راه خود را به دلها باز می کند.

خون مطهر شهید رسانه شد؛ مهم‌ترین رسانه اسلام، خون شهید بوده است. خون سیدالشهدا اسلام را احیا کرد. خون شهید رئیسی هم رسانه او شد و ان‌شاءالله مزدا اخلاص او این خواهد شد که از این پس و به برکت شهادتش، زنده‌تر از قبل می شود تا خدمات و برکاتش برای اسلام و ایران کمتر در حجاب کپنه‌ها و حسادت‌ها مکتوم بماند.

درباره ویژگی‌های شخصی و مدیریتی شهید رئیسی در این مدت، به تفصیل سخن گفته شد و در این ویژه‌نامه نیز تلاش شده است تا در قالب یک ویژه‌نامه مکتوب و با ماندگاری بالاتر، به آن شهید عزیز و راه او ادای دین شود. هر یک از نویسندگان و مصاحبه‌شوندگان از زاویه‌ای به این موضوع ورود کرده‌اند اما در این نوشته تلاش کردم این حقیقت را برسانم که رمز و راز جاودانگی او و آثار مهمی که از خود به جا گذاشت و فرجام نیک او با شهادت در راه خدا و خدمت به خلق، اخلاص بود و صدق.

آن تُرک پری چهره که دوش از تر ما رفت

آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت؟

تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین

کس واقف ما نیست که از دیده چه‌ها رفت

بر شمع نرفت از گذر آتشی دل، دوش

آن دود که از سوز جگر بر سر ما رفت

دور از رخ تو دم به دم از گوشه چشم

سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت

از پای فتادیم چو آمد غم هجران

در درد بمردیم چو از دست دوا رفت

دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت

عمریست که عمرم همه در کار دعا رفت

احرام چه بندیم؟ چو آن قبله نه اینجاست

در سعی چه کوشیم؟ چو از مروه صفا رفت

دی گفت طبیب از سر حسرت چو مرا دید

هیهاست که رنج تو ز قانون شفا رفت

ای دوست به پرسیدن حافظ قدمی نه

زان پیشش که گویند که از دار فنا رفت
«حافظ»

در حوالی چهل روز پس از یکشنبه سیاه ۳۰ اردیبهشت، جایی که مسیر تاریخ ایران عوض شد، در آستانه انتخابات برای تعیین جانشین رئیس جمهور شهید ایستاده‌ایم. شوک حادثه آنچنان سنگین بود که هنوز نه پیامدهای آن فقدان و نه آثار دوران جدید به دقت بررسی و معلوم نشده است. ایران اسلامی یکی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب (که اساساً ایشان اهل اغراق در بیان خصوصیات افراد نیستند) ایران، رئیس جمهور جامع‌الاطراف و یکی از بهترین‌ها زیر آسمان را از دست داد. فهم و باور این توصیف دقیق هم مستلزم نگاه به گذشته و مرور تجربه تاریخی است، هم با گذشت زمان و شکل‌گیری تجربیات جدید، بی‌بدیل بودن رئیسی عزیز هر روز آشکارتر خواهد شد. نظام اسلامی به مثابه یک موجود زنده و پویا و در حال تحرک، طبیعی است که در مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های مختلف، فرزا و فرودهایی داشته و دارد. خسارت دیدن در مقاطع مختلف امری بی‌سابقه نیست؛ همچنان که در موقعیت‌های دیگر، منافع زیادی عاید کشور شده و می‌شود. اما خسارت فقدان شهید رئیسی از جنس خسارت به فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی است. شهید رئیسی با آن ویژگی‌های ممتاز شخصیتی و مدیریتی که در این مدت هر کسی حتی منتقدان و مخالفان او در زمان حیاتش، از زاویه فهم و تجربه خود به آن پرداخته‌اند، شخصاً در زمره مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی بود.

انسان انقلاب اسلامی و انسان مکتب امام خمینی امام خمینی، آن قدر اهمیت دارد که امام بزرگوار از آن به فتح‌الفتوح بیاد می‌کند. امام پس از پیروزی در عملیات طریق القدس فرمودند: «آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخارآفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی‌الله‌العظیم ارواحنا فداه هستند، می‌باشد و این است فتح‌الفتوح».

انسان انقلاب اسلامی و انسان مکتب امام خمینی همچنان در حال تولد و برای همه، نه تنها در ایران، بلکه برای همه دنیا الهام‌بخش است. شهدای مدافع حرم نسل اخیر انسان‌های انقلاب اسلامی و فرزندان مکتب خمینی کبیر هستند. حاج قاسم سلیمانی الگوی تمام از انسان تراز این مکتب است. شهید سیدابراهیم رئیسی یک الگوی کامل از انسان انقلاب اسلامی است که در بالاترین سطح مدیریت کشور این‌گونه می‌درخشد و نشان می‌دهد فتح‌الفتوح امام خمینی همچنان در حال ثمر دادن است. شهید سیدابراهیم رئیسی، فرزند خلیف مکتب امام و سند و حجت زنده بودن انقلاب اسلامی است.

انسان انقلاب اسلامی یک انسان مجاهد، در میدان و اهل خطر است و برای هدف و مکتبش آرام و قرار ندارد. اما زیرساخت این بی‌قراری و شب و روز نشناختن کجاست؟ چه خصوصیت و چه زیرساختی او را از دیگر تلاشگران متمایز می‌کند؟ چگونه می‌شود که یک دست‌پرورده مکتب امام این‌گونه در دل‌ها جا می‌گیرد و با وجود حضور در میدان اجرایی که به صورت طبیعی آمیخته با کامیابی‌ها و ناگامی‌ها و به تبع آن خوشی و ناخوشی مردم است، اینچنین در دلها طوفان به‌پا می‌کند؟ چگونه می‌شود که با فقدان او حتی مخالفانش لب به اعتراف فضائل او می‌گشایند و شاید از سر اضطرار جا نماندن از سیل احساسات و عواطف افکار عمومی، چشم بر گوشه‌ای از حقایق می‌گشایند که تا پیش از این همه همت‌شان پوشاندن و وارونه‌نمایی آنها بود؟

رئیسی خصوصیات برجسته فراوان شخصیتی و مدیریتی داشت. انبوه صفات و ویژگی‌هایی که برای او برشمرده‌اند، هریک در جای خود درس‌آموز و الهام‌بخش و قابل تأسی است. رئیسی تحولگرا بود. نمونه‌های فراوان و دست به نقدی لاقفل از ابتدای سال ۹۵ و دوره مدیریتی او در آستان قدس رضوی و سپس قوه قضائیه و ریاست جمهوری وجود دارد که نشان می‌دهد او هر جا رفت، به دور از روزمرگی، منشأ تحولات اساسی و ماندگار شد. آستان قدس قیل و بعد از رئیسی، قوه قضائیه قیل و بعد از رئیسی و در نهایت ریاست جمهوری قیل و بعد از رئیسی کاملاً متحول شد.

رئیسی پر کار و اهل زدن به میدان‌های پر خطر بود، مرد تکمیل و به سرانجام رساندن کارهای مهم نیمه‌تمام بود، ولایتمدار بود، انقلابی بود، اخلاقی‌مدار بود، مردمی بود، کارآمد بود، خستگی‌ناپذیر بود، اهل میدان دادن به جوانان بود، عالم و مسلط به مباحث کارشناسی بود،

اهل دقت در جزئیات بود، دارای توان جمع‌کنندگی و پای کار آوردن همه ظرفیت‌ها بود، سالم و صمیمی و متواضع بود، همه اینها بود اما همه این ویژگی‌های ممتاز در وجود او بر دو پایه و زیربنای اساسی بنا نهاده شده بود. بدون این دو زیربنا رئیسی فتح‌الفتوح انقلاب نمی‌شد. بدون این دو زیربنا رئیسی اینچنین محبوب قلوب ملت و شایسته آن تعابیری نظیر از جانب رهبر انقلاب اسلامی نمی‌شد. بدون این دو پایه رئیسی، شهید رئیسی نمی‌شد. آن دو پایه اصلی و اساسی، «صدق» و «اخلاص» است. صداقت و